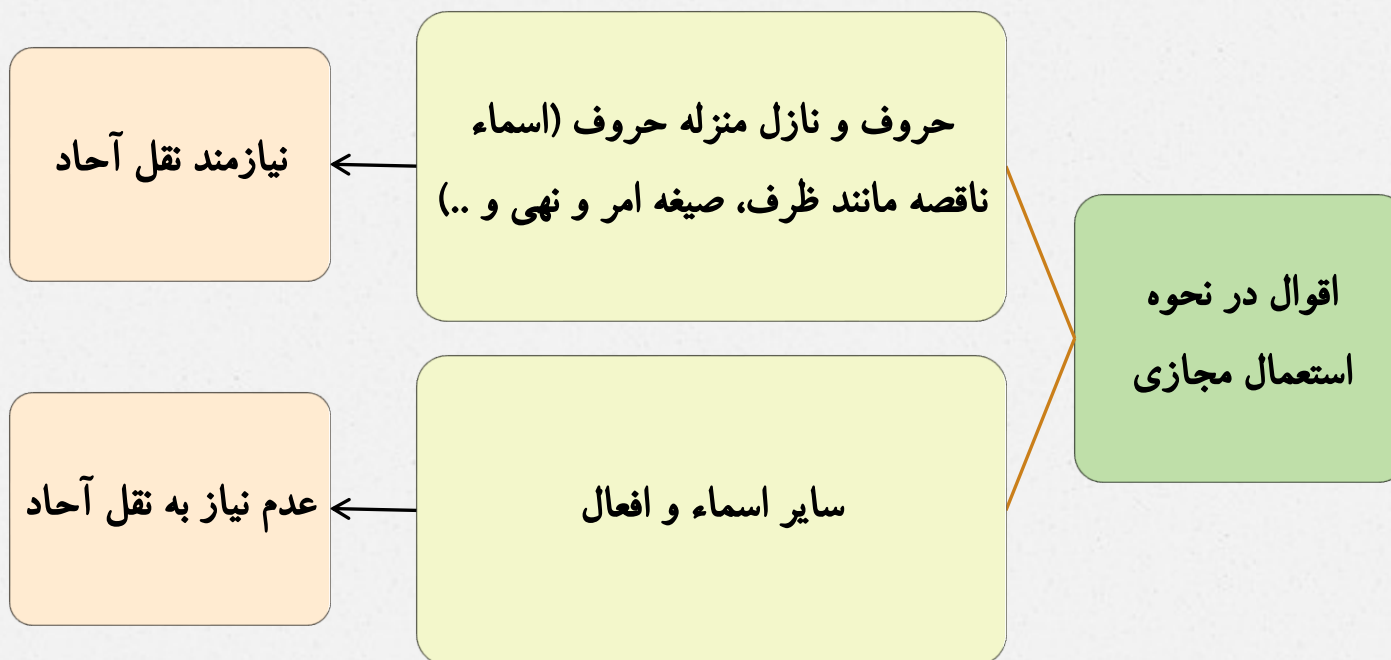


## اشاره صاحب هدایة المسترشدين به قول تفصیل



## سه تقریر از وضع نوعی

## تقریر اول : مرحوم مشکینی

نوع	وضعیت لحاظ ماده	وضعیت لحاظ هیئت	معال
۱	ملحوظ	ملحوظ	علی = اسم فرد خاص
۲	ملحوظ	غیر ملحوظ	ض ر ب = زدن
۳	غیر ملحوظ	ملحوظ	فاعل = زننده
۴	غیر ملحوظ	غیر ملحوظ	مجاز اگر محتاج وضع نوعی باشد

در نوع چهارم واضع اذن داده هر لفظی را در هر معنایی که با آن مناسبت دارد استعمال شود

## سه تقریر از وضع نوعی

## تقریر سوم: منتهی الدراییه

واضع گفته :

لفظ **أسد** (و نه هر لفظ دیگر)  
می توانید به هر نوع که خواستید  
مرتکب مجاز شوید

## تقریر دوم : هدایه المسترشدین

واضع گفته :

که هر جا **مشابهتی** بین هر لفظ و هر  
معنایی هست، استعمال مجازی جایز  
است.

## جمع بندی نهایی

نکته اول : مراد از واضع

مراد از **واضع** = **اهل لغت** که صلاحیت وضع دارند

مراد از «واضع» همان واضع اولیه نیست!

چراکه :

**اولا** : واضع لغت «حاتم» اصلاً شاید تصور نمی کرد که بچه اش بخشنده شود و نامش معیار

جود باشد.

**ثانیا** : و چون واضع را نیز واحد نمی دانیم

## جمع بندی نهایی

نکته دوم : مراد از ترخیص اهل لغت

یعنی آنکه اهل لغت با شنیدن آن مجاز، آن را صحیح به حساب آورند  
این همان موافقت مجاز با طبع مستقیم است که باعث ترخیص اهل لغت می شود.

**کافی نبودن «نوع یک علاقه»!**

بلکه بالوجدان و بالاستقراء هر مجازی باید موافق با طبع مستقیم باشد تا صحیح به حساب آید

**یکی بودن «ترخیص» و «طبع»**

هم قائل به «ترخیص شخصی اهل لغت» می شویم و هم قائل به «طبع»

## جمع بندی نهایی

نکته سوم: بررسی ثبوتی منع واضح از علاقه طبیعی

### سؤال :

آیا ممکن است اهل لغت از چیزی که طبع مستقیم می پسندد، منع کند؟

### پاسخ : خیر!

چراکه : منع اهل لغت یعنی عدم موافقت استعمال با طبع

## جمع بندی نهایی

نکته چهارم : بررسی بحث «توقیفی بودن مجاز» و «نظریه مرحوم اصفهانی و امام»

### نظر حضرت امام :

این بحث در مبنای ما جاری نمی شود چراکه : لفظ در غیر موضوع له استعمال نمی شود

ما می گوئیم : می توان بحث توقیفی بودن را طبق مبنای ایشان تصور کرد :

آیا «عدم تطابق اراده جدی و اراده استعمالی» و «ادعای عینیت یا مصداقیت»

محتاج ترخیص و واضع است یا طبع مستقیم ؟